

تماشاخانه

احسان گنجی | کارتون‌نویس | ehsanganji58@gmail.com



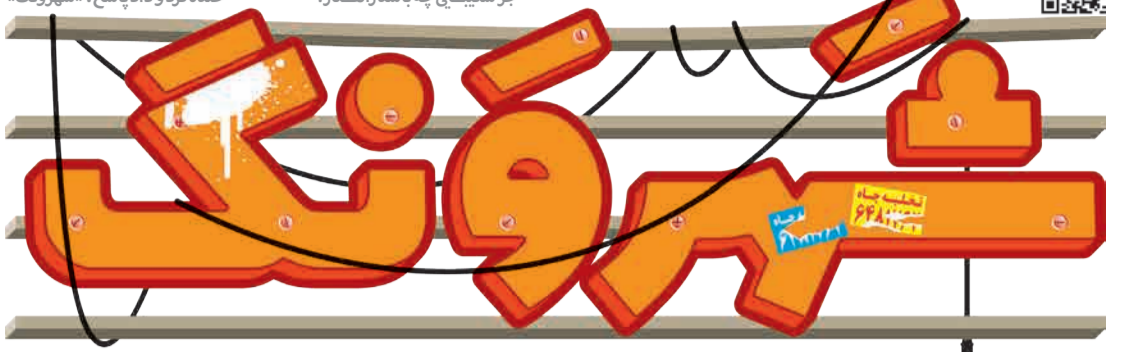
رونمایی از لایحه «حفاظت و صیانت از داده‌های شخصی» در الکامپ

شهروند

Ehsan...

پیراگفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهروند»

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره پانصد و نوزدهم



همایون شجریان برای بهتر کردن حال مردم در تدارک کنسرت خیابانی است

کجارتی دلاااار؟ من بی قرااااارم

مردم: اگه با آهنگران فیت بدید، این روزها خیلی میجسبه
شهر عمه بامزه: وضع به جور به که
کنسرت بزرگراهی هم دیکه جواب نمی ده. قارت قارت
خیابانی: البته باید بگم که این کنسرت
هیچ نسبتی با ما خیابانی ها نداره به خصوص بامن که جوادم
یک نفر از شرق ایران: از الان بگم مشاهد اصلا خیابون نداره!
#دل_خوش_سیری_چند# #باز_هم_دم_تو_گرم# #شهروند

خبر: احمدی نژاد در توئیترش اگانت فیک دونالد ترامپ را منشن کرد!

www.Tooyar.Tar

احمد رضا کافلی

Tweet

ManOfSpring @ManOfSpring محمود احمدی نژاد
@donaalt_traamp_joojoo
آقای ترامپ! به شما هشدار میدهم که دست از فشار بر مردم ایران بردارید و برید گمشدید مزاحم نشید! وگرنه ...

realDonaldTrump @realDonaldTrump Donald J. Trump
به قرنه اومدی توئیتر! هنوز صفحه اصلی منو نمیدونی کدومه؟ آخه من "جوگو" میدارم آخر آئی.دی.م؟

ManOfSpring @ManOfSpring محمود احمدی نژاد
عه! این اگانت تو نیست؟ یعنی اون که دیشب بهم مسیج داده بود که "کارت شارژ دوهزار تومن میگیرم تحریم هارو بر میدارم" هم تو نبود؟!

realDonaldTrump @realDonaldTrump Donald J. Trump
نه /- من خودم برای زمین و زمان کارت شارژ میفرستم!

ManOfSpring @ManOfSpring محمود احمدی نژاد
ای بابا، این فضای مجازی هم پر شده از اگانت های فیک! من اصلا دیکه اگه کاری باهات داشتم همون نامه رو میفرستم!

realDonaldTrump @realDonaldTrump Donald J. Trump
نه قربون دست! نامه ننویس! توی نامه های قبلیت هم کدپستی رو اشتباه زده بودی همه رفتن در خونه باجانقم!

ManOfSpring @ManOfSpring محمود احمدی نژاد

شهروند

فلکه اول



دیر ادبیات یا پیشگو؟ | شهاب نویی | آقای ناصر، دیر ادبیات ما بود. اما برخلاف عرف معمول، خودش چندان یاد نبود. او کلمات زیادی را به ما آموزش داد. مثلا من خیلی از فحش های کشار و معانی بلندش را نزد ایشان تلمذ کردم. از همه اینها گذشته ایشان برای خودش نوسترادموسی بود و از همان زمان شغل آینده خیلی از بچه ها را حدس می زد و این روزها که نگاه می کنم، می بینم که کاملا هم درست حدس زده. مثلا به بهروز که پدرش دلال چهارراه استانبول بود، می گفت: «تو در آینده ای نه چندان دور، شب می خوابی و صبح بیدار می شی و من و این مرتیکه سبیل فابریک (منو) می گفت، چون من تا ۲۴ سالگی سبیل فابریک بود و بابام اجازه نمی داد بزنم (شون) و کل جلد و آبادمون رو می خری.» به مرتضی که پدرش نژول خوار

محل بود می گفت: «تو ام به روز از خواب بیدار می شی و برای خودت به بانکی، موسسه مالی اعتباری، چیزی راه می اندازی و پول امثال من و این بدبخت خاک بر سر سبیل فابریک رو می خوری.» به امید، بغل دستی من هم که همیشه در حال چرت زدن بود می گفت: «تو مأمور مبارزه با فساد اقتصادی می شی و این قدر چرت می زنی که پول امثال من و این بدبخت، بی شعور سبیل فابریک رو می خورند و به کوکاکولا هم روش.» به من هم می گفت: «هوی سبیل فابریک، توام چون خوب کلمات را نقت می دی و اتشا می نویسی، به جواری همکار خودم می شی، اما بدبخت تر از من. چون من لاقل اینجا به شما فحش می دم و خودم رو خالی می کنم اما تو، ممیز و سردبیر و مدیر مسئول بالای سرت هستنند و فقط می توانی توی دلت بقیه رو توازش کنی»

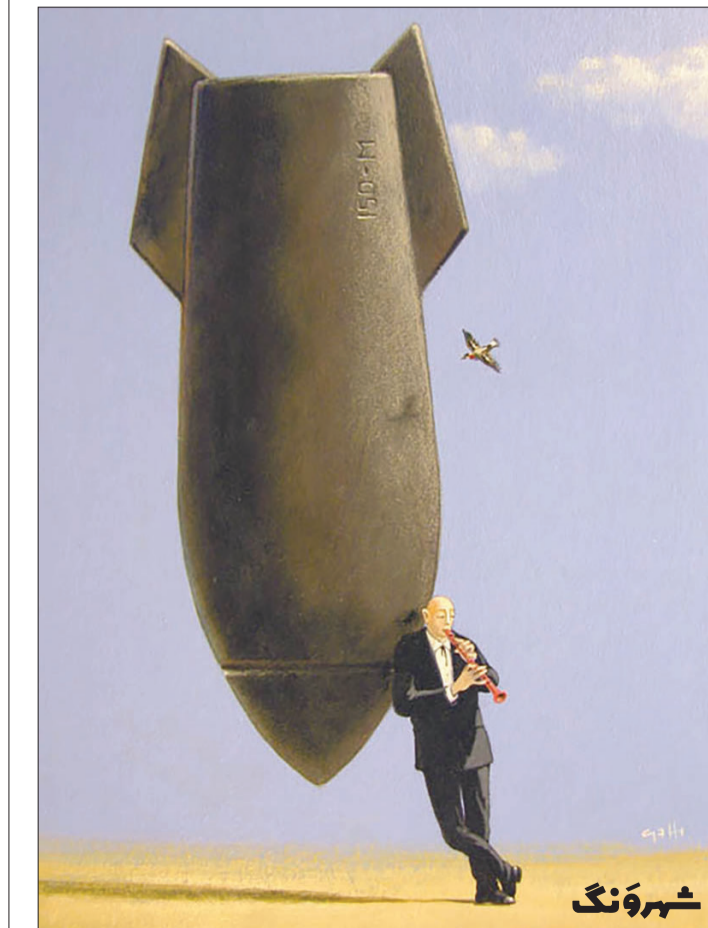
روگذر غیر همسطح



داود نجفی | طنز نویس
من هم مثل شما تا همین چند وقت پیش آرزوم این بود که یک ماشین زمان داشتم. اصلا هم نمی خواستم من را به صد سال عقب تر ببرد. کلا آدم طمعکاری نیستم همین که برای چند ساعت به پارسال می رفتم و برمی گشتم، کافی بود. الان از هیچکس پنهان نیست از شما چه پنهان که من ۱۰ میلیون تومان پس انداز داشتم و اگر با احتساب هر دلار ۳۶۰۰ تومان پارسال، ۲۷۰۰ دلار خریده بودم الان با نرخ دلاری که من این متن را می نویسم، با زمانی که شما در حال خواندنش هستید، کلی فرق کرده؛ حداقل ۳۳ میلیون تومان پول به دست می آوردم. بگذریم، همه جا را برای پیدا کردن ماشین زمان زیر و رو کردم و از همه شهر در موردش پرسیده بودم؛ یعنی کل مردم می دانستند من دنبال چه می گردم. وقتی کامل ناامید شدم، دختری با یکی از آن بادبزن ها که مادر هانیکو هم داشت، زد روی شانهام و گفت: «چقدر پول داری؟» با یک حرکت آفتاب بالاس تغییر

موضع دادم و روبه رویش ایستادم و پرسیدم: «تو کی هستی؟ واسه چی می پرسی؟ به تو چه اصلا؟» دستش را بالا آورد و بادبزش را باز کرد و در حالی که خودش را باد می زد، گفت: «خنکول مگه دنبال ماشین زمان نبود؟ من یکی دارم، فقط خواستم راهنمایت کنم. بینم چقدر پول داری، اگه کمه که به جای پارسال ببریمت ۱۰ سال قبل» مثل الاغی که آدامس بادکنی بهش دادند، ذوق کردم و کل دار و ندارم را برایش شرح دادم. طبق نقشه قرار شد فردا کل ۱۰ میلیونم را از بانک بگیرم و بریزم داخل یک کیف، او هم ساعت ۱۰ صبح با ماشین زمانش بیاید دنبالم. البته که به جز زیبا بودن، خانم خوش قولی هم بود و دقیقا سر وقت رسید. نشستم توی ماشینش، همه شیشه ها دودی بودند. خانم زیبا داشت از توی آینه نگاهم می کرد، محو جمال و کمالاتش شده بودم. به خودم قول دادم از آن ۳۳ میلیونم، چند درصدش را بهش بدم تا بزند به زخم های زندگی اش. به مرتبه با خودم گفتم: «صلا چرا باهات از دواج نکنم؟ هم اون پول از دستم خارج نمی شه و هم هر وقت با هم دعوا کردیم، سوار ماشین زمان می شیم و برمی گردیم به همون جا

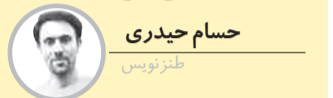
شهر فرنگ | آلساندرو گاتو | کارتون‌نویس



شهروند

شهر زیبا

زنانی که به سینما می روند خیلی بدن!



حسام حیدری | طنز نویس

خبر مهم سینمایی این هفته اینکه مرکز پژوهش های مجلس، آن هم در این وضعیت اقتصادی عجیب و غریب، رفته کلی وقت گذاشته و تحقیقات و پژوهش کرده و آخر سر به این نتیجه رسیده که: «زنانی که هر هفته به سینما می روند بد پوشش تر از دیگر زنان هستند.» و به این ترتیب ر کورد پیوند گوزن و شقایق که تا پیش از این با گزارش «تأثیر فیلترینگ تلگرام بر گرمای کانون خانواده» در دست خبرنگار صدا و سیما بود را از تقا داده و به مرزهای جدید رسانده اند.

ادامه این تحقیقات منتشر نشده، ولی ما می توانیم حدس بزنیم که در ادامه مشخص می شود زنانی که هر هفته به سینما می روند علاقه زیادی به اختلاس از بانک ها و دزدیدن مال مردم و فرار به کانادا دارند. آنها همچنین در سینما یاد می گیرند که چطور در اقتصاد کشور اختلا ایجاد و اجناس تولید شده را به مقدار زیاد خریداری کرده و در انبار احتکار کنند تا وقتی که قیمتش گران شد تو پاچه مردم فرو کنند.

زنان «هر هفته سینما رو» با رانتی که از رفتن به سینما پیدا می کنند، به عنوان واردات کالا های اساسی، ارز دولتی گرفته و سپس خود رو وارد کرده و در بازار با قیمت آزاد می فروشند. آنها از سینما به عنوان پوشش برای کارهای جنایتکارانه خود استفاده کرده و هر موقع کسی از آنها بپرسد: «چرا انقدر گند زدی تو اقتصاد مملکت؟» می گویند: «من؟ من که سینما بودم.»

این نوع از زنان که به سینما رفتن خالی هم بسند نکرده و در حرکت شنیع و ناپسند، برای خود پاپ کورن و اسنک موتوری با طعم پیساز و جعفری نیز می خردن عامل بسیاری از مشکلات و جنایت ها در طول تاریخ بوده اند. آنها ابتدا سعی کردند نسل بشر را با ایجاد دو جنگ جهانی اول و دوم از بیخ و بن منقرض کنند، اما وقتی دیدند موفق نمی شوند با تشکیل گروه های تروریستی به کشورهای خاورمیانه حمله کرده و در مکان های شلوغ و پر رفت و آمد خود را منفجر می کردند. آنها همچنین عامل گرم شدن بیش از حد زمین، فیلتر تلگرام، افزایش قیمت گوشت گوسفندی تا کیلویی ۵۶ هزار تومان، بی نمک شدن مطالب طنزنویسان و تنگ بودن کمر شلوار شهاب نبوی هستند و در برخی صحنه ها مشاهده شده که برای دیدن فیلم حتی حاضرند بلیت تهیه کرده و به نوبت وارد سالن شوند. در حالی که روش درست، حمله کردن یا چوب به سینما و پایین کشیدن فیلم های در حال اکران و شعار دادن است.

خلاصه که وقتی موضوعات مهمی مثل «بررسی رابطه، سینما و پوشش زنان» وجود دارد چرا مرکز پژوهش های مجلس به خود اجازه دهد که سراغ موضوعاتی با درجه اهمیت کمتر مثل وضع اقتصادی و کنترل بازار برود؟ اصلا من نمی فهمم چرا انقدر این دست و آن دست می کنی. بابا این سینما به چه درد می خورد؟ جز این که عده ای می روند در یک جای تاریکی و یک کارهای خاص و مشکوکی انجام می دهند و تا دو ساعت آنجا هستند به چه درد دیگری می خورد؟ بابا تعطیلش کنی برود بی کارش دیگر.